

Qualitative analysis and classification of the causes of sustainability of social-economic damage and underdevelopment of Darveza Ghar neighborhood

Ali Aghamohammadi

PhD Candidate in Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University,
Tehran, Iran
aghamohamadi.ac@gmail.com

Parvin Savadian

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Garmsar
Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran (Author)
savadian۲۰۲۰@gmail.com

Asemeh Ghasemi

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature, Humanities and
Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran. Iran.
ag.sociology@gmail.com

Abstract

Social pathology, like other social and causal fields, uses practical methods to investigate its desired subjects. For this purpose, it is used both from a mental point of view in the form of knowledge of specific concepts and with the help of objective research tools in the form of scientific research to investigate the causes, backgrounds and solutions. The increasing urban growth caused by the natural increase of the population and the increase in migration caused by the lack of moderation in the spatial-social and economic planning of the country, together with the government's decision to focus on creating economic, social activities and other attractions for immigrants, have the greatest impact on expanding the physical and social dimensions of metropolises. and has affected the quality of social life. These effects have sometimes brought a wide range of socio-economic, cultural and physical problems. Urban issues and problems are expressed differently over time and in each urban area or neighborhood, the social and physical context of the areas also requires different management strategies, while the speed of development in some areas has been higher due to investment in different sectors. The present research intends to continue the

previous field research in the 11th district of Tehran city (Shahid Harandi Neighborhood), by carefully studying the information and correctly integrating them, to interpret with the aim of finding the root of the problems with a neighborhood-oriented approach. In the current research, in-depth interviews were conducted with people who are currently involved in social and economic harms in Darvaze-Ghar neighborhood of Tehran and the results are analyzed. This study emphasizes on discovering the lived experience of the person and the causes and situations that maintain these pathologies. In this research, we will explain the role of causal conditions and intervening conditions in the theory of disorganization of Darvazeh-Ghar neighborhood by stratifying the factors affecting social pathology. Also, on this basis, we examine the effects of economic components and the role of the government and the public sector on the economy of the neighborhood in more detail.

Keywords: Socio-economic pathology, Darvazeh-Ghar, Shahid Harandi neighborhood, Sustainability, Neighborhoods



تحلیل کیفی و دسته بندی علل پایداری آسیب‌های اقتصادی – اجتماعی و توسعه‌نیافتگی محله دروازه غار

علی آقامحمدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گرایش توسعه اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
aghamohamadi.ac@gmail.com

پروین سوادیان

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران
(نویسنده مسئول)
savadian2020@gmail.com

عاصمه قاسمی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
ag.sociology@gmail.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

آسیب‌شناسی اجتماعی همچون سایر حوزه‌های اجتماعی و عللی، از شیوه عملی برای بررسی موضوعات مورد نظر خود استفاده می‌کند. بدین منظور برای بررسی علل، زمینه‌ها و راه‌حل‌ها، هم‌اکنون ذهنی به صورت شناخت مفاهیم خاص و هم به کمک ابزار وسایل تحقیق عینی به صورت پژوهش‌های علمی استفاده می‌شود. رشد فزاینده شهری ناشی از افزایش طبیعی جمعیت و افزایش مهاجرت‌های ناشی از نبود اعتدال در برنامه‌ریزی مکانی – اجتماعی و اقتصادی کشور به همراه تصمیم دولت در تمرکز بر ایجاد فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و جاذبه‌های دیگر مهاجرپذیر، بیشترین تأثیر را در گسترش ابعاد کالبدی و اجتماعی کلان‌شهرها داشته و کیفیت زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. این

اثرات بعضا طیف وسیعی از معضلات و مشکلات اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و نابسامانی‌های کالبدی را به همراه داشته است. مسائل و مشکلات شهری به فراخور زمان و در هر منطقه یا محله شهری به گونه متفاوتی بیان می‌شود، بافت اجتماعی و کالبدی مناطق نیز راهبردهای مدیریتی متفاوتی را می‌طلبد درحالی‌که سرعت توسعه در برخی مناطق به دلیل سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف بیشتر بوده است. تحقیق حاضر در نظر دارد در ادامه پژوهش میدانی پیشین در منطقه ۱۲ شهر تهران (محله شهید هرندی)، با مطالعه دقیق اطلاعات و تلفیق صحیح آن‌ها به تفسیر با هدف ریشه‌یابی مشکلات با رویکرد محله- محور بپردازد. در پژوهش حاضر، با افرادی که در حال حاضر در محله دروازه غار تهران درگیر آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی هستند، مصاحبه عمیق انجام گردیده و نتایج مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این مطالعه بر کشف تجربه زیسته فرد و علل و موقعیت‌های نگه‌دارنده این آسیب‌ها تأکید دارد. در این پژوهش با سطح بندی مولفه‌های تاثیرگذار بر آسیب‌های اجتماعی به تبیین نقش شرایط علی و شرایط مداخله‌گر در نظریه سامان‌نیافتگی محله دروازه غار می‌پردازیم. همچنین تأثیر و تأثرات مؤلفه‌های اقتصادی و نقش‌آفرینی دولت و بخش عمومی بر اقتصاد محله را بر این اساس مورد بررسی دقیق‌تر قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی اقتصادی-اجتماعی، دروازه غار، محله شهید هرندی، پایداری،

محلات، شرایط علی و مداخله‌گر

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۲/۰۳ تاریخ بازبینی: ۰۱/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۴/۱۱

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۳، تابستان ۱۴۰۱.

صص ۴۶۵-۴۹۶

۱- مقدمه و بیان مساله

تنظیم رابطه بین انسان، فعالیت و فضا و تلاش در جهت ایجاد تعادل میان این عوامل و همچنین توزیع متعادل منابع و ثروت در پهنه سرزمین و بهره‌برداری درخور و پایدار از تمام امکانات انسانی و فضایی موجود، از موضوعات بسیار مهم در برنامه‌ریزی فضایی می‌باشد. از مشخصه‌های بارز توسعه فضایی در ایران، وجود نابرابری‌های منطقه‌ای و عدم تعادل در توزیع خدمات و امکانات در کشور می‌باشد؛ این عدم تعادل و شکاف بین مناطق همراه با گسترش شهرنشینی و افزایش تعداد شهرها منجر به شکل‌گیری نظام شهری ناکارآمد و ازهم‌گسیخته‌ای گردیده است که از نتایج آن شکل‌گیری نخست شهری در سطح ملی و عدم رشد و توسعه برخی از مناطق می‌باشد؛ از این‌رو دستیابی به توسعه عادلانه از آرمان‌های اساسی در برنامه‌ریزی فضایی کشور بوده و در اسناد فرادست نیز بر ضرورت کاهش نابرابری‌ها و برقراری توازن منطقه‌ای، تأکید شده است. شهرها روزبه‌روز و با سرعت هرچه‌تمام‌تر رو به توسعه هستند، اما این گستردگی شهرهای امروزی موجب پیچیدگی مسائل و مشکلات آن‌ها شده است و این مسائل در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌شود (صادقی، ر.، و زنجری، ن.، ۱۳۹۶)

خاستگاه اصلی آسیب‌ها و کج‌رفتاری‌های اجتماعی را باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کرد. نابسامانی‌های اقتصادی - اجتماعی چون: فقر، تورم، گرانی، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و دیگر عواملی که باعث «محرومیت» می‌شوند، زمینه مساعدی را برای انواع مختلف آسیب‌های اجتماعی چون: خودکشی، سرقت، اعتیاد به مواد مخدر، الکلیسم، فرزند آزاری، زورگیری، طلاق، گدایی و... فراهم می‌آورند. از این‌رو مفهوم آسیب‌شناسی گسترده وسیعی پیدا می‌کند و از ابعاد ارزشی و کاربردی فراوانی برخوردار می‌گردد (ستوده، هدایت‌اله، ۱۳۷۹).

گسترش شهرنشینی موجب پیچیده‌تر شدن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی شهر و بروز ناامنی و آسیب‌های اجتماعی در محلات مسکونی شده است. همچنین روابط بین فضا و انسان، در محیط شهری، معنای جدیدی یافته است؛ پیشگیری از بروز جرائم در محله‌ها و فضاهای شهری با مکانیسم‌های برنامه‌ریزی اجتماعی و شهری اهمیت فراوانی دارد. در هر جامعه شهری حضور و نمود آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، بیکاری، بافت فرسوده و مسکن نامناسب، نابرابری‌های درآمدی، نابرابری‌های ثروتی، بی‌سوادی، بهداشت نامناسب در محیطی پر از آسیب‌های اجتماعی نظیر عدم پایداری اجتماعی، کمبود سرمایه اجتماعی، مسائل مرتبط با همسایگی و تعاملات اجتماعی، طلاق، زنان بی‌سرپرست و بد سرپرست و جرائم گوناگون نظیر اعتیاد، بزهکاری، قتل، سرقت، کودکان فرار، کار و خیابانی، خشونت و... از طرفی ایجاد مانع برای اثرگذاری برنامه‌های توسعه‌ای نموده و از طرف دیگر دوام توسعه‌نیافتگی را در پی دارد. کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ با توجه به ویژگی‌های خاص خود مانند بافت فرسوده، حاشیه‌نشینی و رشد قارچ گونه شهرک‌ها در اطراف شهرها و... کانون‌های مناسبی جهت بروز انواع آسیب‌های اقتصادی - اجتماعی هستند. متأسفانه در این مناطق، بنا به موارد فوق‌الذکر، شاهد انواع این آسیب‌ها از جرائم خشن گرفته تا اعتیاد به مواد مخدر و ناامنی هستیم که نتیجه این آسیب‌ها بر هم خوردن نظم شهری، کاهش امنیت اجتماعی، آفول سرمایه اجتماعی و کاهش امنیت ذهنی و عینی می‌باشد (رسولی، سید حسن و همکاران، ۱۳۹۵). در ایالات متحده نقطه عطف توجه به فرهنگ فقر از زوال عمیق فرهنگ اقلیت‌های سیاه در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جدانشدنی بود. این مفهوم با انتشار گزارش دانیل

پاتریک^۱ درباره خانواده سیاهان رشد پیدا کرد و هدفش این موضوع بود که چگونه بردگی به زوال نهادهای مرتبط با اجتماعات سیاهان منجر می‌شود؟ (پروین، ستار و درویشی فرد، علی اصغر، ۱۳۹۴). به‌زعم وی، بی‌سازمانی اجتماعی در درون شهرها ناشی از تباهی مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی است، جایی که در خانواده‌ها به‌طور فزاینده‌ای زنان نقش‌های اصلی را بر عهده داشته‌اند.

اسکار لوئیس^۲ در نظریه فرهنگ فقر فرایند بازتولید فقر را به‌ویژه در محلات حاشیه‌ای و آلونک‌نشین شهری تبیین و تحلیل کرده است. فرهنگ فقر اصطلاحی بود که اسکار لوئیس در سال ۱۹۵۹ برای بیان نحوه زندگی افراد فقیر و فرودستان شهری ابداع کرد. این نظریه زیرمجموعه نظریه‌های خرده‌فرهنگی قرار می‌گیرد. این دسته مسئله مربوط به آسیب‌های اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. هم‌زمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواسته‌ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیب‌ها شده است. هرچند اکثر مشکلات اجتماعی انواع تکراری در طول نسل‌های مختلف هستند، اما چنانکه مشاهده می‌شود برخی از این انواع در برخی نسل‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است و حتی برخی انواع این آسیب‌ها در نسل‌های بعدی زاده شده‌اند. از سوی دیگر از آنجایی که یکسری علل غالب در هر جامعه وجود دارند که نسبت به سایر علل اهمیت بیشتری در بروز آسیب‌ها دارند، هرچند از انواع متمایز آسیب‌ها سخن می‌رود، اما عمدتاً همپوشی‌هایی بین آن‌ها دیده می‌شود. وابستگی دارویی یا اعتیاد، انحرافات جنسی، سرقت و دزدی، خودکشی، مهاجرت، بی‌خانمانی، فقر و بیکاری. آسیب‌های اجتماعی مانند یک زخم است که اگر آن را از جریان هوا دور نگهداریم، آلوده و عمیق‌تر می‌شود. راه‌حل رفع آسیب‌های اجتماعی، تلاش برای رفع آن‌ها با خردورزی و بدون حب و بغض است. نمی‌توانیم روی آسیب‌های اجتماعی سرپوش بگذاریم بلکه باید توان علمی خود را بکار بگیریم و علل آن را بشناسیم، سپس ارائه طریق کنیم.

آسیب‌شناسی اجتماعی^۳ مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته‌شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضو و آسیب‌های اجتماعی

^۱ Daniel Patrick

^۲ Oscar Lewis

^۳ social-pathology

کج‌روی‌ها) قائل می‌شوند. واژه آسیب‌شناسی از دیدگاه پزشکی به فرآیند ریشه‌یابی بیماری‌ها گفته می‌شود. آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد. به همین دلیل، کج‌روان سعی دارند کج‌روی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی، طرد اجتماعی مواجه می‌شوند (نریمانی، شهلا، ۱۳۹۰). بر این اساس آسیب‌های اجتماعی پدیده‌هایی واقعی، متغیر، قانونمند و قابل کنترل و پیشگیری‌اند. کنترل‌پذیری آسیب‌های اجتماعی شناخت علمی آن‌ها را در هر جامعه‌ای برای پاسخ به پرسش‌های نظری و عملی و کاربردی از ایده‌ها و یافته‌های علمی تولیدشده در برنامه‌ریزی‌های کوتاه و بلندمدت برای مقابله صحیح با آسیب‌های اجتماعی، درمان یا پیشگیری از گسترش و پیدایش آن‌ها را ضروری و پراهمیت می‌سازد. آسیب‌شناسی اجتماعی به بررسی انواع مشکلات می‌پردازد که در سطح اجتماعی مطرح هستند و سعی می‌کنند علل مختلف آن‌ها را از جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی و غیره مورد بررسی قرار دهد. آسیب‌های اجتماعی که به تعبیر بعضی از اندیشمندان حاصل و معلول مستقیم انقلاب صنعتی هستند، در اکثر جوامع وجود دارند و تأثیرات خود را می‌گذارند. اما آنچه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می‌سازد، نوع نگرش این جوامع به علل به وجود آورنده آسیب‌ها و راهکارهای اصلاح و بهبود آن است. در مورد نگرش، مهم این است که این آسیب‌ها چرا به وجود آمده‌اند؟ آیا وجود آسیب‌ها در جوامع امری لازم و ضروری است یا می‌توان جامعه‌ای بدون آسیب داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم شناخت نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است که هر کدام سعی در تبیین مسائل، آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی از نظرگاه‌های مختلف دارند. این دیدگاه‌ها متأثر از باورهای سیاسی و اقتصادی هر جامعه است.

منطقه ۱۲ شهری تهران، در مقام مرکز تاریخی و ماندگار شهر تهران، بیش از هشتاد درصد کارکردهای تجاری، اداری، حکومتی، کارگاهی و انبار و بالاتر از پنجاه درصد کارکردهای فرهنگی، مذهبی و پذیرایی شهر را در بر گرفته و حامل خاطره جمعی شهروندان است؛ لذا زوال آن حیات مدنی شهر و شهروندان را ضعیف می‌کند، چراکه مرکز تاریخی، باید کانونی زنده و فعال و محرک اقتصاد کلان‌شهری باشد. از سوی دیگر ۲۷ درصد از سطح منطقه بیش از ۴۰۰ سال عمر و ۷۳ درصد از

بافت این منطقه، بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد. بیش از ۵۰ درصد واحدهای مسکونی منطقه ۱۲ بیش از ۳۰ سال عمر دارند (بیشترین نسبت خانه‌های قدیمی در میان مناطق تهران) و فقط ۸.۵ درصد آن‌ها در ۱۰ سال اخیر ساخته شده‌اند. بیش از ۳۴ درصد محدوده منطقه، از گستره‌های شاخص و ارزشمند تشکیل شده است. علیرغم این ارزش‌ها بیش از یک‌سوم سطح منطقه فرسوده محسوب می‌شود و این مسئله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری آسیب‌ها و جرائم اجتماعی و در نتیجه شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری شناسایی شده است. به‌عبارت‌دیگر داده‌ها نشان می‌دهد که مرکز تاریخی تهران در معرض زوال و مخروبیگی روزافزون است (رهنمایی، م.، ملک‌نیا، م.، و جهانیان، م.، ۱۳۹۰). برخی، این وضعیت را پیامد رویکرد مدرنیستی به شهر دانسته‌اند که همراه با توسعه امکانات و جابه‌جایی به حومه‌های شهری از طریق مهاجرت‌های ساکنان قدیمی به سایر مناطق شهر تهران بروز یافته است و به متروک گذاشتن مراکز قدیمی شهرها دامن زده است (شیخی، محمد و عظیمی، میترا، ۱۳۹۲). این شکل از رهاسازی فضای شهری در این منطقه، به‌وضوح در پهنه‌بندی‌ها و امکانات شهری این‌گونه مناطق نمایان است. به‌عبارت‌دیگر، عدم توجه به کالبد فضای شهری در این منطقه خود را در نابرابری‌های فضایی آشکار ساخته است. برای نمونه رشد جمعیت این منطقه از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۵ با متوسط ضریب رشد منفی ۵/۲ درصد در سال، کاهش یافته است و از سال ۱۳۷۵ به بعد با متوسط رشد ۸/۲ درصد در سال، افزایش داشته است (قرخلو، م.، و زنگنه شهرکی، س.، ۱۳۸۸). این کاهش و افزایش جمعیت منطبق خاصی دارد. به‌واقع پس از ویرانی فضای شهری در طول سه دهه اول، ساکنان اصلی این مناطق از محل سکونت خود کوچ کردند و عموماً در مناطق مرفه‌تر شهر تهران ساکن شدند و پس از آن، عمدتاً فقیرنشینان و جمعیت‌های مهاجر و افراد بی‌بضاعت و یا گروه‌های بزهکار و خلاف‌کار، جایگزین آن شدند. قیمت بسیار نازل ملک و املاک و اجاره‌های پایین آن نسبت به سایر مناطق هم‌جوار، جاذبه اصلی مهاجرت این گروه‌ها بوده است (رسولی، سید حسن و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی نسبت جنسیتی در این منطقه مردانه است و به دلایل فوق‌الذکر در وضعیت موجود، فضای منطقه در شب بسیار متروک، خالی و ناامن است. متوسط درآمد ماهیانه ساکنان این منطقه نیز از فقر نسبی آن‌ها حکایت دارد (قرخلو، م.، و زنگنه شهرکی، س.، ۱۳۸۸).

۲- پیشینه تحقیق

در این بخش به مرور برخی مقالات و مطالعات مهم در زمینه آسیب‌شناسی محله‌محور که در سال‌های اخیر در کشور صورت گرفته‌اند می‌پردازیم. در این بررسی عمده‌ی تمرکز ما بر روی دستاوردها و نتایج این مطالعات است که در ادامه به صورت جدول به مهم‌ترین آنان اشاره خواهیم کرد. برخی از این مطالعات که عمدتاً موردی و منطقه‌محور هستند در شهر تهران و محله‌های مشابه هرندی صورت گرفته‌اند. به‌عنوان مثال در مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری، امیری، پورموسوی و صادقی (۱۳۹۲) دریافته‌اند بیکاری، فقر، اعتیاد، تکدی‌گری، نابرابری اجتماعی، سرقت، شرارت، قتل، کودکان خیابانی، بزهکاری نوجوانان، طلاق، تخریب اموال عمومی و تقلیل اجتماعی به ترتیب مجموعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در این منطقه می‌باشند. از طرفی دلایل بروز این آسیب‌ها در این پژوهش نیز به ترتیب بحران طلاق و ازهم‌گسیختگی خانواده، مهاجرت روزافزون به نواحی حاشیه‌نشین، شیوع اعتیاد در میان حاشیه‌نشینان، بحران بیکاری، نوع شغل و محیط شغلی، بحران فقر و نابرابری اجتماعی، معاشرت با دوستان ناباب، دگرگونی سریع فرهنگی و بحران هویت، ناتوانی و نقص در جامعه‌پذیری، بحران فضای باز سیاسی، عدم اعتماد به حکومت، بحران آموزش و پرورش و ضعف سیستم آموزش عالی نشان داده شد (امیری، م.، پورموسوی، س.، و صادقی، م.، ۱۳۹۲). همچنین پروین، درویشی‌فرد و کاظمی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان بی‌سازمانی اجتماعی و آسیب‌های پنهان شهری (مطالعه موردی: محله هرندی) به بررسی رابطه قماربازی و آسیب‌های اجتماعی مرتبط در این منطقه پرداخته و اعتیاد و مصرف مواد مخدر و محرک؛ خرید و فروش مواد؛ سرقت؛ خشونت، فحاشی و دعوای خیابانی؛ اختلافات خانوادگی و جدایی از همسر؛ اختلال در وضعیت مالی فرد و خانواده را به‌عنوان مسائل و آسیب‌های مرتبط یافته‌اند (پروین، س.، درویشی‌فرد، ع.، و کاظمی، ق.، ۱۳۹۵).

کتاب «در تقاطع سنت، فقر و جنسیت» یک مردم‌نگاری چند میدان در جنوب شهر تهران به‌ویژه منطقه دروازه غار است. نویسنده در این کتاب به صورتی میدانی و تجربی مکانیسم‌های عملکرد نظم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران دهه‌های هشتاد و نود در شکل دادن به تلاش‌ها، انتخاب‌ها و آرزومندی‌های بخشی از اجتماع شهری را از درون و در سطحی روزمره نشان می‌دهد. چنانکه در مقدمه کتاب

اشاره شده است، برخلاف بسیاری دیگر از مطالعات حوزه انسان‌شناسی سکسوالیته در ایران که بر گفتمان اصلاحات و نظم اقتصادی جدید به‌عنوان محملی برای تغییر معانی فرهنگی و خلق یک نظام جدید سکسوالیته، از طریق سه‌گانه مصرف، مقاومت و آزادی در میان زنان و جوانان طبقات متوسط و بالای شهری تمرکز دارند، این مردم‌شناسی بر عاملیت زنان طبقه فرودست و درک و زاویه دید آن‌ها از ساخت سکسوالیته تأکید می‌کند (ثقفیان، سپیده، ۱۳۹۸).

یکی از مطالعات انجام‌شده در خصوص محلات تهران که دارای گستره جغرافیایی و جمعیتی وسیع می‌باشد، پروژه پیمایش یا رصد کیفیت زندگی در محلات تهران است که توسط شهرداری انجام پذیرفته است. اطلاعات در دسترس این پروژه ماحصل انتشار عمومی داده‌های خام پیمایش رصد کیفیت زندگی در شهر تهران با حجم نمونه ۴۵ هزار پرسشنامه است که به‌جرت می‌توان گفت بزرگ‌ترین پیمایش شهری در ایران بوده و داده‌های این پیمایش در مقیاس محله‌ای گردآوری و تکمیل شده است. سال ۹۴ رصد کیفیت زندگی در تهران انجام شد که بزرگ‌ترین پیمایش شهری انجام‌شده در تهران با ۴۵ هزار نمونه آماری است. در این پیمایش به رضایت مردم از خدمات شهر، جمع‌آوری زباله، میزان مشارکت مردم، اعتماد آن‌ها به نهادهای مختلف در سطح محله به مردم، همسایه‌ها، احساس امنیت زنان و غیره پرداخته شده که در قالب یک اطلس منتشر شده است (نصراصفهانی، آرش، ۱۳۹۹).

پژوهش مشابهی نیز از سوی شهرداری در زمینه شناخت وضعیت و شرایط محلات مختلف آن انجام پذیرفته است که به‌گونه‌شناسی محلات تمرکز داشته است. در این پژوهش اطلاعات پیمایش فوق نیز مورد استفاده قرار گرفته است و شاخص‌های اجتماعی در محلات تهران مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه اطلاعات شاخص‌های اجتماعی محله شهید هرندی آمده است که از این مطالعه استخراج گردیده است.

عمده مطالعات خارجی مرتبط با آسیب‌های اجتماعی در سال‌های اخیر بر محور ارتکاب جرائم استوار هستند به‌گونه‌ای که تفکیک میان جرائم^۴ و آسیب‌های اجتماعی^۵ از منظر واژه‌شناسی اخیراً پیشنهاد گردیده است. ازجمله مطالعات قدیمی‌تر در سال ۱۹۸۹ موضوع بزهکاری و جرم به‌عنوان نسخه‌ای از تئوری جرم^۶ در شهر لاگوس نیجریه که یکی از جرم‌خیزترین شهرهای دنیاست، به‌عنوان مطالعه

۴ Crime

۵ Social Harm

۶ Crime Theory

موردی تحت بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد جرم‌خیز بودن منطقه‌ای ناشی از ترکیب عوامل اقتصادی و محیطی است. محلاتی که در اثر ورود مهاجران و روستاییان دچار ناهمگونی فرهنگی هستند، جرم‌خیزتر هستند. عمده‌ی این ناهمگونی در مناطق گران‌قیمت‌تر لاگوس است و دلیل آن عدم یکپارچگی است و اینکه میان خانوارهای ناهمگون، زمینه‌های مشترک برای اجرای برنامه‌های کنترل اجتماعی به‌سختی پیدا می‌شود. با توجه به اینکه عمده‌ی این بزهکاران خدمتکار منزل (افرادی بدون خانواده بیولوژیک) هستند، خطر عمده به وجود آمدن «الگوی نقش»^۷ از افراد بالغ بزهکار برای جوان‌ترهاست (زنگی آبادی، ع، پرهیز، ف، و خیام باشی، ا. ۱۳۹۴). در مناطق فقیرنشین اما، هماهنگی اجتماعی محلات، به دلیل وجود گروه‌های قومی و کنترل غیرمستقیم، قوی‌تر است. در سال ۱۹۹۸ مقاله‌ای به‌عنوان فلسفه جرم و آسیب‌های محیطی منتشر گردید که سه فلسفه متفاوت انسان‌محوری^۸، سلامت‌محوری^۹، و محیط‌محوری^{۱۰} را در ارتباط میان انسان و محیط اطراف خود مطرح می‌نماید (Halsey, M., White, R., ۱۹۹۸). در سال ۲۰۰۳، موضوع کنترل اجتماعی و نرخ رشد جرائم در محلات شهری و وابستگی آن با تقویت نهادهای محلی توسط روت و همکاران مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش ضمن توجه به تئوری‌های بی‌سازمانی اجتماعی^{۱۱} چارچوبی را ارائه می‌نماید که در آن مؤسسات محله‌محور می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل اجتماعی و کاهش نرخ رشد جرائم داشته باشد (Triplet, RA., Gainey, RR., ۲۰۰۳). در سال ۲۰۰۷ مقاله‌ای با عنوان آسیب‌های اجتماعی و جرم‌شناسی قرن بیست و یکم توسط فردریش و همکاران باهدف بازنگری قوانین جرم‌شناسی منتشر گردید. همچنین تعمیم مفهوم جرم به آسیب اجتماعی در سال ۲۰۰۷ توسط هیلارد و همکاران معرفی گردید. این تمایز که در مقالات متفاوتی به آن پرداخته‌شده است مجدداً در مطالعه دیگری در سال ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار گرفت. در این مقاله لاسلت به تعریف ارتباط میان آسیب و جرم می‌پردازد و پیشنهاد می‌کند که پژوهش‌ها بر روی آسیب‌های اجتماعی فارغ از مسائل جرم‌شناسی و به‌عنوان موضوعی مستقل صورت گیرند (Lasslett, K., ۲۰۱۰). در سال ۲۰۰۹ مطالعه‌ای با عنوان صلح و امنیت در محلات شهر یزد توسط

۷ Role model

۸ Anthropocentric

۹ Biocentric

۱۰ Ecocentric

۱۱ Social disorganization

دکتر زیاری ارائه شد. در این مقاله ضمن توجه به ناهمگونی‌های اجتماعی جدید در قرن بیستم و نرخ رو به افزایش موارد غیرطبیعی در مراکز شهری، موضوع مهاجرت انبوه و کنترل نشده جمعیت از اطراف به شهر یزد را در قالب عواملی چون تنوع فرهنگی^{۱۲}، ناشناس بودن مهاجران آن، و عدم حس تعلق آنان به محیط جدید، به‌عنوان منشأ بروز برخی آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد (زیاری، کرامت اله، ۱۳۹۰). در سال ۲۰۱۰ مطالعه‌ای با موضوع جرائم خشمگین در محلات فقیر و ارتباط آن با ناامیدی و روابط اجتماعی افراد توسط استادارد ارائه گردید. در این مطالعه به رشد جوانان در مناطق فقیر و ریسک ابتلای آنان به ناامیدی از آینده و رو آوردن به جرائم خشن همچنین ارتباط طولی میان روابط اجتماعی، مسیرهای ناامیدی^{۱۳}، و رفتارهای خشن در جامعه آماری شامل ۷۲۳ نفر از جوانان آفریقایی آمریکایی که در بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ در مناطق فقیرنشین ایالات متحده زندگی کرده‌اند، پرداخته می‌شود (Aseltine, R. H., Gore, S., & Gordon, J., ۲۰۰۰).

در مطالعات آسیب‌های اجتماعی با محوریت موضوع فقر، در سال ۱۹۸۹ موضوع رشد کودکان در محلات فقیرزده مورد بررسی قرار گرفت و در سال ۱۹۹۲ موضوع تمرکز منطقه‌ای فقر و ریسک آسیب به کودکان در محلات شهری عمدتاً صنعتی توسط داندی و همکاران مطالعه گردید. در این پژوهش که به‌عنوان مطالعه موردی در شهر کلیولند ایالت اوهایو صورت گرفته است؛ بیان می‌شود که تجمع افراد فقیر معمولاً منجر به تجمع شرایط اجتماعی و فیزیکی منفی در یک نقطه می‌شود. این ترکیب شرایط محیطی را ایجاد می‌نماید که در آن کودکان و بزرگسالان در معرض ریسک بالای مشکلات سلامت عدم توسعه‌یافتگی قرار می‌گیرند (Coulton, C. J., ۱۹۹۲). Pandey, S., ۱۹۹۲). نابرابری و بی‌عدالتی درآمد و ریسک ارتکاب به خودکشی در محلات شهر نیویورک در قالب یک مطالعه چندمرحله‌ای موردی در سال ۲۰۰۵ ارائه شد. در سال ۲۰۰۸ موضوع ارتباط میان تمرکززدایی و سرمایه اجتماعی در قالب تناقضات سیاست فقرزدایی توسط گرینام و همکاران مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش به سیاست تمرکززدایی با هدف کاهش فقر و جابجا کردن افراد از خانه‌های عمومی آشوب‌زده به همسایگی‌های درآمد-آمیخته اشاره می‌گردد. این برنامه توسط دولت فدرال ایالات متحده و به‌عنوان برنامه Hope XI اجرا گردید.

۱۲ Cultural heterogeneity

۱۳ Hopelessness trajectories

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که جابجایی افراد سرمایه اجتماعی را افزایش نمی‌دهد در عوض موجب از بین رفتن و تضعیف شبکه‌های اجتماعی می‌شود (Susan Greenbaum, et. Al, ۲۰۰۸). در سال ۲۰۱۷ مقاله‌ای با موضوع تأثیر هدف‌گذاری منطقه‌ای در جوامع فقیرزده در مطالعه موردی منطقه ژائو دو دنوس در شهر پورتو کشور پرتغال صورت گرفت.

در موضوع آسیب‌های اجتماعی ناشی از مصرف مواد مخدر، در سال ۲۰۰۸ تأثیر عدم سازمان‌یافتگی اجتماعی در اثر فعالیت بازارهای فروش مواد مخدر در جرائم خشن بررسی گردید. در سال ۲۰۰۹ روش‌های کاهش آسیب ناشی از مصرف مواد مخدر مطالعه شد و موضوع متحرک‌سازی اتاق‌های مصرف مواد مخدر و سیاست کاهش مصرف مواد مخدر از طریق شبکه‌های بین مکانی توسط مک‌کان و همکاران مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه تأثیر اتاق‌های مصرف مواد مخدر DCRs باهدف کاهش آسیب‌های اجتماعی مربوطه و تحت کنترل گرفتن موضوع و جهت‌یابی انتشار آسیب در ۹۰ نقطه واقع در ۶۰ شهر ۱۱ کشور مورد بررسی قرار گرفته است (McCann, E., Temenos, C., ۲۰۱۵).

مطالعه موردی مارلوس در سال ۲۰۱۸ در شهر روتردام هلند با موضوع ارتباط میان سرمایه اجتماعی و رضایت محله‌محور با در نظر گرفتن ناهمگونی محله نیز از جمله مطالعات مهم در این زمینه می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی برای رضایت از زندگی ساکنان از نظر تماس‌های اجتماعی با همسایگان و انسجام درون محله حائز اهمیت است. اما اهمیت سرمایه اجتماعی مبتنی بر محله در بین افراد مختلف متفاوت است. برای افراد کم‌سواد، افرادی از کارافتاده، افرادی با سلامت ضعیف، افراد بازنشسته و کسانی که طلاق گرفته‌اند یا بیوه هستند مهم‌تر است (Hoogerbrugge, Marloes, M., Burger, Martijn J., ۲۰۱۸). تعدادی از محققان از جمله کاستا و کان (۲۰۰۳)، آلسینا و فررا (۲۰۰۰) و پوتنام (۲۰۰۷) رابطه‌ای منفی بین ناهمگونی (یعنی چند فرهنگی در محله) و سرمایه اجتماعی گزارش کرده‌اند، اما فیلد هاوس (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «آیا گوناگونی در محلات به سرمایه اجتماعی آسیب می‌زند؟» گزارش نمود که در ایالات متحده و بریتانیا گوناگونی در هنجارهای همسایگی افراد اکثریت سفیدپوست تأثیر منفی دارد، اما در میزان مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت دارد. نتایج تحقیقات حاکی از این است که کاهش فقر محله بیش از هر چیز دیگری برای ساختن سرمایه اجتماعی لازم است. علاوه بر این، در برخی شرایط مهاجرت و تمرکز قومی ممکن

است منجر به بهبود سرمایه اجتماعی شود (Fieldhouse, E., Cutts, D. ۲۰۱۰). همچنین گویال (۲۰۱۲) در یک مطالعه ملی که با موضوع «اثر شرایط محلات و وضعی اقتصادی- اجتماعی خانواده در مشکلات رفتار کودکان و نوجوانان» در ایالات متحده انجام داد عنوان کرد که کودکان و نوجوانان در محلات کمتر برخوردار (امنیت پایین، مسکن بد، خیابان‌های کثیف، و جرم‌خیز) ۱.۹ برابر، کودکان و نوجوانان فقیرتر ۳.۷ برابر، و کودکان با والدین تحصیل‌نکرده ۱.۹ برابر بیشتر از هم‌تاهای سالم خود دچار آسیب‌های رفتاری هستند (Singh, G., K, Ghandour, R., M., ۲۰۱۲).

۳- مبانی نظری

در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زا، عوامل متعددی به‌عنوان عوامل پیدایش و زمینه‌ساز مؤثر هستند؛ از جمله عوامل فردی شامل جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت جسمانی، بیماری، ژنتیک و عوامل روانی شامل حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم‌هوشی، خیال‌پردازی، قدرت‌طلبی، کم‌رویی، پرخاشگری، حسادت، بیماری‌های روانی و ...؛ عوامل محیطی شامل اوضاع و شرایط اقلیمی، محیط شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و... و درنهایت عوامل اجتماعی شامل خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بیکاری، شغل، رسانه‌ها، مهاجرت و جمعیت (قدرتی راد، مینا، ۱۳۹۷). برای تبیین این علل، نظریات متعددی در حوزه تبیین آسیب‌های اجتماعی مطرح است که از آن جمله عبارت‌اند از نظریه فشارهای ساختاری، که علل ناهنجاری‌های روانی و اجتماعی را در ساختارهای اجتماعی جستجو می‌کند. از نظر این مکتب، ساختارهای اجتماعی، فشارهایی را بر افراد وارد می‌کنند که فراتر از تحمل آنان است و در اثر این فشارها، به رفتارهایی روی می‌آورند که تطابقی با هنجارهای مورد تأیید جامعه ندارند. نظریه بعدی در این حوزه، نظریه کنترل می‌باشد. این نظریه جرائم و انحرافات را نتیجه ضعف و نارسایی در نظام کنترل اجتماعی می‌داند. طبق این نظریه، جامعه صنعتی و مدرن، زمینه‌های زیادی را برای وسوسه و انحرافات فراهم کرده است. بنابراین اگر افراد احساس کنند که نظام کنترل اجتماعی ضعیف است، به‌سوی ناهنجاری‌ها و انحرافات روی می‌آورند (امیری، م، پورموسوی، س، و صادقی، م، ۱۳۹۲).

نظریه‌های جامعه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی بر اساس واحد تحلیل و نوع نگاه به علل جرم — دو رویکرد کلی تقسیم می‌شود: اولین رویکرد، رویکرد

«جامعه‌شناختی» است که در مطالعه جرم به فرد، انگیزه‌ها، تمایلات ذهنی، ویژگی‌های شخصیتی، زمینه خانوادگی و تعلق گروهی مجرم توجه دارد. این رویکرد، با تکیه بر نظریات جامعه‌شناختی، به تأثیر عوامل اجتماعی بر وقوع کج‌روی و جرم تأکید دارد. در مقابل و در رویکرد دوم، که آن را رویکرد «بوم‌شناختی» می‌نامیم. بررسی زمینه عینی وقوع جرم و عوامل موقعیتی و فرصت‌هایی که باعث وقوع جرم و آسیب‌ها می‌شود، بیش از عوامل اجتماعی جرم، مانند فقر و بیکاری، مورد توجه است (علایی، محسن و رضایی پور، اذن اله، ۱۳۹۴).

در این میان مکان، محیط جغرافیایی، خصوصیات فیزیکی محیط، معماری و طراحی فضاها و به‌طور کلی زمینه‌های موقعیتی می‌تواند به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار در رویکرد دوم مطرح شوند. تأکید بر مکان در نظریه‌های این رویکرد، کاستی‌های ناشی از تأکید صرف بر انگیزه‌های مجرمانه را در شناخت و تبیین جرم جبران می‌کند (شاطریان، محسن، آقابزرگی‌زاده، شیوا، ۱۳۹۵). علاوه بر این، رویکرد دوم نسبت به رویکرد اول به پیشگیری جرم از طریق ساماندهی و بهبود مکان و کاهش جاذبه‌های مجرمانه بیشتر توجه نموده است (نجفی ابرند آبادی، علی حسین، گلدوزیان، حسین، ۱۳۹۶).

۴- روش تحقیق

در راستای رسیدن به هدف کلی و غایی خود یعنی «تبیین آسیب‌شناختی علل پایداری آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی محله دروازه غار تهران» یک مطالعه اکتشافی از نوع روش تحقیق کیفی خواهد بود. به نظر صاحب‌نظران حوزه روش‌شناسی، استفاده از پژوهش کیفی، در مواردی لازم است که اطلاعات موجود پیرامون موضوع پژوهش کم است و محقق درصدد است که دانش عمیق‌تری درباره موضوع کسب نماید (دلور، ع، ۱۳۸۹). در واقع، برای دستیابی به تبیین سبب‌شناختی طرح‌شده در این پژوهش، از روش کیفی استفاده خواهد شد، چراکه مطالعات کمی که با استفاده از پرسش‌نامه‌های خود گزارشی گذشته‌نگر، به بررسی علل و عوامل مؤثر بر این آسیب‌ها پرداخته‌اند، محدودیت‌های روش‌شناختی داشته و لذا به نظر می‌رسد برای به دست آوردن داده‌های دقیق‌تر و تسهیل درک این آسیب‌ها در بافت‌های فرهنگی- اجتماعی جمعیت مورد نظر، استفاده از مصاحبه‌های ساختارمند و مطالعات کیفی مفید و مؤثرتر باشد و خطاهای درک احتمالی را نیز برطرف سازد. به‌علاوه، استفاده از پژوهش کیفی به درک تجارب افراد و معانی منحصر به فرد آن و نیز عوامل پنهان در

ایجاد شرایط خاص، کمک خواهد نمود. (Corbin, J., Strauss, A., ۲۰۰۸) در واقع، پژوهش کیفی به کشف عرصه‌هایی از زندگی که از آن‌ها چیزی نمی‌دانیم یا عرصه‌هایی که از آن‌ها بسیار می‌دانیم، اما می‌خواهیم فهم تازه‌ای به دست آوریم، کمک خواهد نمود.

لذا در این پژوهش از نظری داده‌بنیاد که از روش‌های پژوهش کیفی است، استفاده خواهد شد. نظریه داده‌بنیاد (که بانام‌های نظریه برخاسته از داده‌ها، نظریه زمینه‌ای و نظریه بنیادی نیز شناخته می‌شود) یک روش تحقیقی عام، استقرایی و تفسیری است که توسط گلیرز و اشتراوس (۱۹۶۷) مطرح گردید و بعدها توسط گلیرز (۱۹۷۸)، اشتراوس (۱۹۸۷) و اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) بسط پیدا کرد. در این رویکرد تفسیر داده‌ها نمی‌تواند مستقل از گردآوری یا نمونه‌گیری آن‌ها انجام شود. تفسیر همان مرجعی است که بر اساس آن تصمیم گرفته می‌شود که کدام داده یا مورد در مرحله‌ی بعد در نمونه گنجانده شود و این داده‌ها باید چگونه و با چه روش‌هایی بلید گردآوری شوند (Uwe, Flick, ۲۰۱۴). نظریه داده‌بنیاد، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به‌جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. زمانی که گردآوری و تحلیل داده‌ها متوقف شد، نظریه حاصل، درک عمیقی در ارتباط با موجودیت‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند. این کار، نظریه را به‌عنوان یک فرایند، مورد تأکید قرار می‌دهد، یعنی به‌جای یک فرآورده تکمیل‌شده، آن را موجودیتی پیوسته در حال تکوین تلقی می‌کند (نوری، ع، و مهرمحمدی، م، ۱۳۹۰). در نتیجه این مطالعه با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، علل و موقعیت‌های ایجادکننده آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محله دروازه غار تهران را مورد بررسی قرار داده و با بهره‌گیری از داده‌های جمع‌آوری‌شده از افرادی که در تجارب زیسته خود این آسیب‌ها را دارند، به نظریه‌پردازی در زمینه تبیین آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی محله دروازه غار تهران خواهد پرداخت.

نتایج حاصل از این مطالعه در بالاترین سطح نظریه یعنی از نوع بنیادی است و از آن‌جهت بنیادین خوانده می‌شود که ساختاری جدید از ارتباط بین عوامل ایجادکننده و عملکردهای خودزنی را در موقعیت‌های مختلف ارائه می‌دهد. این مطالعه بر پایه واقعیت‌های زیر بنایی و روابط مشاهده‌شده میان متغیرها به دنبال تبیین ارتباط میان آن‌ها است.

در پژوهش حاضر، با افرادی که در حال حاضر در محله دروازه غار تهران درگیر آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی هستند، مصاحبه عمیق انجام خواهد شد. این مطالعه بر کشف تجربه زیسته فرد و علل و موقعیت‌های نگه‌دارنده این آسیب‌ها تأکید دارد. در این فضا با توجه به مفروضات دیدگاه کنش متقابل، مبنی بر اینکه آدمیان بر مبنای معنایی که پدیده‌ها برایشان دارند با آن‌ها رفتار می‌کنند، قاعده روش‌شناختی ایجاب می‌کند، که دیدگاه فرد مورد بررسی، از جهات گوناگون بازسازی شود. بر این اساس، در فرایند ادراک تجربه زیسته فرد به دنبال کشف آنچه او ادراک می‌کند، در کنار تجربیات هیجانی و پاسخ‌های رفتاری و افکار او خواهیم بود. بعد از مصاحبه محتوای کامل مصاحبه طبق دستورالعملی که در بخش تجزیه و تحلیل اطلاعات توضیح داده شده است، جمع‌بندی شده و در نهایت، تفسیر اطلاعاتی که از این روش جمع‌آوری شده‌اند، به تدوین نظریه‌ای جهت تبیین علل تداوم‌بخش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در محله دروازه غار تهران منجر خواهد شد.

برای تبیین علل و موقعیت‌های تداوم‌بخش آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در محله دروازه غار تهران، از مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق فردی به‌عنوان اصلی‌ترین روش از مجموعه روش‌های کیفی در مرحله اول استفاده می‌شود. مصاحبه، یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات است که در آن به‌صورت حضوری یا غیرحضوری از تک‌تک افراد یا گروهی از آنان پرسش می‌شود. سؤالات این مصاحبه از پیش طراحی شده است؛ اما وجه تمایز آن با مصاحبه ساختاریافته میزان انعطاف‌پذیری در نحوه اجراست (دلاور، ع، ۱۳۸۹). مزیت این نوع مصاحبه آن است که محقق در حین مصاحبه بر اساس خلاقیت خود، نکات مهم به‌دست‌آمده را مورد توجه قرار می‌دهد.

در این پژوهش، یک مجموعه مصاحبه نیمه ساختاریافته به‌صورت انفرادی و گروهی با افراد و مسئولینی که در محله دروازه غار تهران، درگیر آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند انجام می‌گیرد. این مصاحبه‌ها با اجازه مصاحبه‌شونده ضبط شده و پس از رسیدن به حد اشباع از سوی پژوهش‌گر، با استفاده از روش تحلیل مقوله‌ای تبیین خواهد شد. حد اشباع، حالتی است که پس از آن مقوله با مفهوم جدید و قابل‌اعتنایی از مصاحبه‌ها استخراج نمی‌گردد.

به‌منظور کشف اطلاعات بهینه و قابل تفسیر از مصاحبه‌های گروهی و انفرادی، آشکارسازی تفاوت‌ها، ناهمگونی‌ها، و ابعاد پنهان موضوعات مورد بحث نظری جامعه آماری از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین منظور در فرآیند اجرای مصاحبه‌ها

تلاش گردید پرسش‌ها به نحوی طرح گردند که اشخاص و گروه‌ها اولاً به آشکارسازی تفاوت دیدگاه‌های میان خود و دیگران بپردازند و ثانیاً در خصوص ابعاد پنهان‌تر ماجرا هرچند به زبان ساده و خودمانی اطلاعاتی ارائه نمایند. در هنگام مصاحبه با مسئولین، و به خصوص مسئولین فعلی منطقه مانند اعضای شورای شهر، شهردار، مسئولین نهادهای دولتی، و... این موضوع با چالش عمده‌تری مواجه است که ناشی از تمایل طبیعی مسئولین به مثبت‌نشان دادن اوضاع موضوع موردنظر و یا حساسیت زیاد ایشان در انتخاب واژگان می‌باشد که بعضاً تفسیرپذیری داده‌های جمع‌آوری شده را دشوار می‌سازد. درواقع اطلاعات مفید و قابل تفسیر می‌توانند در طول فرآیند مصاحبه به کلی پنهان بمانند و هرگز مطرح نگردند. در فرآیند مصاحبه‌های آزمایشی اول متوجه این موضوع شدیم و به همین منظور رویه‌ای مهم پیش از هر مصاحبه به منظور اطمینان‌بخشی به مصاحبه‌شونده، توضیحاتی در خصوص ماهیت پژوهشی و رازداری مستندات مکتوب و ضبط‌شده از مصاحبه‌شونده ارائه گردید. از آنجاکه جامعه آماری این مطالعه را افراد بالای ۱۸ سال ساکن محله دروازه غار منطقه ۱۲ شهر تهران تشکیل می‌دهند، در تمامی موارد سن مصاحبه‌شوندگان مدنظر قرار گرفت. با توجه به هدف و روش مطالعه، روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و در دسترس انجام می‌گیرد؛ منظور از هدفمند بودن این است که نمونه‌ها به جای انتخاب تصادفی، با توجه به ویژگی‌های آن‌ها نسبت به پدیده موردنظر انتخاب می‌شوند. در این انتخاب به دنبال نمونه‌ای با حداکثر نوسان خواهیم بود تا بتوانیم بیشترین تفاوت‌های ممکن را آشکار کنیم. از این‌رو در مصاحبه‌های گروهی ساکنین تلاش گردید گروه متشکل از افراد با تنوع جنسیتی، نوع شغل (آزاد، کارمند، بازاری...)، قشر و قومیت انتخاب گردد که این موضوع نیز با برخی چالش‌ها همراه بود.

۵- یافته‌های تحقیق

تمامی نتایج کیفی و کمی به دست آمده، در این قسمت ارائه گردند. در صورت نیاز می‌توان موضوعات را طبقه‌بندی نموده و فرآیند مصاحبه انفرادی و گروهی در تمامی موارد ضبط و مکتوب گردید. در ادامه به منظور ترسیم نقشه ذهنی فرد یا گروه مصاحبه‌شونده در ارتباط با محورهای موردبحث ضمن بازخوانی مستندات و مکالمات مصاحبه نکات اصلی مطرح‌شده در ارتباط با هر یک از محورهای مورد پرسش در قالب نقشه ذهن^{۱۴} تصویر گردید (نمونه نقشه ذهنی تصویر ۴-۱). نقشه‌کشی ذهنی

به‌طور ساده به معنای فرآیندی است که به تولید یک نقشه ذهنی منجر می‌شود. تونی بوزان که به‌نوعی بنیان‌گذار نقشه ذهنی است آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «نقشه ذهنی نوعی ابزار است که برای به تصویر کشیدن مطالب مختلف، و نشان دادن ارتباط بین آن‌ها به کار می‌رود. هر کدام از این مطالب و نکات توسط خط‌کشی‌هایی به سایر نکات متصل می‌شود و در نتیجه ما شبکه از اطلاعات خواهیم داشت که ارتباط بین هر یک از آن‌ها با دیگری به‌خوبی مشخص شده است». پس می‌توان گفت که نقشه‌های ذهنی به ما کمک می‌کنند تا حجم زیادی از اطلاعات را خلاصه کرده و حتی ارتباط بین آن‌ها را هم مشخص کنیم. نقشه ذهنی از عناصر مختلفی تشکیل شده است که به‌صورت ادراکی هستند. این عناصر برحسب اهمیتی که در موضوع دارند، در قالب گروه‌ها، شاخه‌ها و بخش‌های مختلفی قرار می‌گیرند. بدین منظور لازم است به ترتیب، متن‌های پیاده شده مرور شوند. سپس در هر متن، گفته‌های اساسی برجسته گردد؛ زیر آن خط کشیده شود یا پررنگ‌تر درج گردد. همچنین گفته‌های تکراری، جمله‌های معترضه، گفته‌های انحرافی و سایر داده‌های نامربوط نادیده گرفته شود برخی از گفته‌های مشابه که به نظر می‌رسد چیز تازه‌ای را مطرح می‌کند مشخص شود. هنگامی که تمام متن‌ها مرور شد، باید دوباره به متن اولیه برگشته، آن‌ها را مرور نماییم تا اطمینان حاصل شود در برجسته کردن گفته‌های اساسی، دچار غفلت نشده‌ایم. علاوه بر این، به این سؤال پاسخ دهیم که در میان گفته‌های اساسی تعیین شده، آیا گفته‌هایی وجود دارد که واقعاً اساسی نیست.

بر اساس طراحی رویه مصاحبه، نقشه ذهنی هر مصاحبه‌شونده در قالب ۵ محور اصلی شامل نوع و ارتباط آسیب، محور فرهنگی - اجتماعی، محور شهری - زیرساختی، محور جمعیتی - تاریخی، و محور قانونی - نظارتی ترسیم گردید. نکات مهم مستخرج از مصاحبه که با حفظ اصالت شکل و مفهوم از بازخوانی به‌دست آمده‌اند به‌صورت نقطه گلوله^{۱۵} ذیل محور اصلی آمده‌اند و سایر توضیحات و ارتباطات لازم با نقطه گلوله اصلی در ذیل آن مطرح گردیده است (نمودار ۴-۱). در مرحله بعد خطوط نقطه‌چین ارتباطی میان مفاهیم و دلایل مشابه ترسیم گردیده‌اند.



نمودار ۱- استخراج مفاهیم کلیدی و زیر عنوان‌های سطوح اول و دوم از نقشه‌های ذهنی

۵-۱- استخراج مفاهیم اصلی

مفاهیم اصلی مطرح‌شده در مصاحبه‌ها در ۴ محور فرهنگی - اجتماعی، شهری - زیرساختی، جمعیتی - تاریخی، و قانونی - نظارتی که از ابتدا مبنای طراحی سؤالات و مصاحبه‌های باز بود استخراج گردیدند (نمودار ۴-۲). بر این اساس هر یک از چهار محور اصلی شامل چند عنوان هستند که آن‌ها نیز به‌نوبه خود زیر-عناوینی دارند. هر یک از این عناوین مشتمل بر مسئله‌ای است که بر اساس تحلیل نقشه‌های ذهنی مستخرج و استنباط مصاحبه‌کننده دارای اهمیت ویژه بوده و در فرآیند مصاحبه‌های انفرادی و گروهی به‌دفعات مورد تکرار و تأکید قرار گرفته است. بر این اساس به‌عنوان مثال، در محور فرهنگی اجتماعی، مسئله عرق مردم منطقه نسبت به آن و شناخت تاریخ منطقه از سوی مردم بارها مورد بحث و اظهار نظر قرار گرفته و از سوی دیگر محل اختلاف نظر بوده است. بنابراین به‌عنوان یکی از عناوین و مفاهیم کلیدی آمده است و در ادامه با استفاده از کلیدواژه‌های مورد استفاده در محتوای بحث‌های مربوطه و واژه کاوی تحلیل دقیق‌تری از هر یک از مفاهیم اصلی می‌رسیم.

جدول ۲- تحلیل کیفی و ارتباطی مفاهیم مستخرج از نقشه ذهنی

دانشگاه	مفهوم‌های اصلی	مفاهیم کلیدی مطرح شده	دانشگاه ساکنین	دانشگاه ساکنین	توجه‌های ویژه	مفهوم‌های اصلی	
۱	فرهنگی اجتماعی	سازگاری	سازگاری	سازگاری	سازگاری	سازگاری	
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مشارکت	مشارکت	مشارکت	مشارکت	مشارکت	مشارکت
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
۲	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
		مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
		۳	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
توانمندی	توانمندی			توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
مسئولیت	مسئولیت			مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
توانمندی	توانمندی			توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
مسئولیت	مسئولیت			مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
توانمندی	توانمندی			توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
مسئولیت	مسئولیت			مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
توانمندی	توانمندی			توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
مسئولیت	مسئولیت			مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
توانمندی	توانمندی			توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
مسئولیت	مسئولیت			مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
توانمندی	توانمندی			توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی
مسئولیت	مسئولیت			مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت	مسئولیت
توانمندی	توانمندی			توانمندی	توانمندی	توانمندی	توانمندی

۲-۵- تحلیل کیفی و ارتباطی مفاهیم

در بخش قبلی، به منظور کدگذاری نتایج یافته‌ها و دسته‌بندی دقیق‌تر مقولات یافته‌های مطالعه در قالب جدول کاملی شامل مفاهیم کلیدی (۳۵ عنوان) مطرح‌شده و زیر مقولات مرتبط ارائه گردیدند. در این بخش بر آن هستیم با استفاده از داده‌کاوی و ارائه تحلیل کیفی، تصویر واضح‌تری از مفاهیم مطرح‌شده ارائه دهیم. بدین‌وسیله اطلاعات جدول ۲-۴ با استفاده از واژه‌کاوی، بررسی جای واژه‌ها و مفاهیم در متن مصاحبه‌ها، تعداد دفعاتی که به‌کاررفته‌اند، همراهی با مسئله اصلی یا مسائل موردنظر در پژوهش، پیوندها و روابط میان واژه‌ها و مفاهیم به‌دست‌آمده‌اند. از سوی دیگر برای تمامی ۳۵ مفهوم اصلی دیدگاه مسئولین و ساکنین به‌صورت جداگانه و همچنین درجه اهمیت موضوع برای مسئولین و ساکنین به روش کیفی استخراج گردیده و نشان داده‌شده است. تشابه و اختلافات حاصل در بخش‌های بعدی مورد تحلیل و بررسی بیشتر قرار می‌گیرد.

زیرعنوان مربوطه (از میان ۳۵ زیرعنوان) به ترتیبی از چپ به راست با خط فاصله مشخص گردیده‌اند. میزان ارتباط میان هر دو کد از طریق بررسی کیفی و مشابهت واژگان کلیدی موردبحث با شاخص کیفی از ۱ (کمترین ارتباط مفهومی) تا ۱۰ (بیشترین ارتباط مفهومی) مشخص گردیده است که می‌توان آن را ضریب همبستگی نامید. ارتباطات قوی‌تر در جدول بارنگ سبز و ارتباطات ضعیف بارنگ قرمز مشخص گردیده است. به‌عنوان مثال با بررسی کد ۱-۲-۱ (وضعیت هویت رسمی مهاجرین) درمی‌یابیم که این مقوله با ۳-۱-۱ (افغان‌ها به‌عنوان پرجمعیت‌ترین گروه)، ۳-۲-۱ (تعارض میان -گروهی مهاجرین)، و ۴-۱-۲ (سیاست‌های مهاجرتی) ارتباط مفهومی قوی‌تری دارد و احتمال هم‌افزایی دو عامل در یک فرآیند مشخص بیشتر است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بر اساس نتایج تحلیل‌های کیفی این پژوهش توجه به پنج قضیه نظری زیر بسیار مهم است:

سامان‌نیافتگی محله دروازه غار شامل پدیده‌های مانند: فقر، محرومیت و نابرابری؛ بی‌سازمانی اجتماعی آن محله؛ جذب‌نشستگی مهاجران در آن محله؛ اشتغال غیررسمی در آن محله؛ کودکان کار در آن محله؛ اعتیاد و حواشی آن در آن محله؛ نزاع اجتماعی در آن محله را شامل می‌شود که موجب توسعه‌نیافتگی محله دروازه غار می‌گردد.

- اکولوژی رهاشده محله دروازه غار شامل: مهاجرت‌های بی‌رویه به محله؛ تعارض منافع میان گروه‌های درون محله و همچنین میان دستگاه‌ها و نهادهای درون محله؛ بازار مواد مخدر؛ بازار کار غیررسمی؛ خرده‌فرهنگ‌های محله و سطح توسعه‌نیافتگی اقتصادی یا پایگاه اقتصادی اجتماعی پائین محله موجب کنش‌های آسیب‌زا در محله سامان‌نیافته دروازه غار می‌شوند.
- مداخلات محیطی شامل: مداخلات محیط اجتماعی؛ مداخلات محیط فرهنگی؛ مداخلات محیط اقتصادی؛ مداخلات محیط‌زیستی و شهری؛ مداخلات محیط قانونی و نهادی موجب کنش‌های آسیب‌زا در محله سامان‌نیافته دروازه غار می‌شوند که یا سازوکار تأثیر اکولوژی رهاشده محله دروازه غار بر توسعه‌نیافتگی این محله را تغییر می‌دهند؛ و یا

اینکه شدت اثر اکولوژی رهاشده محله دروازه غار بر توسعه‌نیافتگی این محله را کاهش یا افزایش می‌دهند.

- بافتار نامطلوب شامل: شرایط فرهنگی- اجتماعی؛ شرایط شهری- زیرساختی؛ شرایط جمعیتی- تاریخی؛ شرایط قانونی- نظارتی موجب کنش‌های آسیب‌زا در محله سامان‌نیافته دروازه غار می‌شوند.
- توسعه‌نیافتگی محله دروازه غار دارای ابعاد توسعه‌نیافتگی اجتماعی؛ توسعه‌نیافتگی فرهنگی؛ توسعه‌نیافتگی اقتصادی و توسعه‌نیافتگی مدیریتی و کالبدی است.

بر این اساس نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیریتی در سطح ملی و محلی می‌توانند از پیشنهادهای اجرایی این پژوهش به شرح زیر استفاده نمایند.

طرح توسعه و تحول اجتماع محور محلات مبتنی بر توانمندسازی و باز اجتماعی سازی

همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره شد برای نیل به موفقیت در اعتلای محله هرندی نیازمند تغییر دیدمان (پارادایم) هستیم و بایستی طرحی نو در انداخت. آسیب‌شناسی و کالبدشکافی طرح‌های پیاده شده و مداخلات صورت پذیرفته در محله هرندی (دروازه غار) حاکی از این است که رویکرد اجتماع‌محور و مبتنی بر توانمندسازی و باز اجتماعی شدن در این قبیل طرح‌ها و مداخلات اعمال نگردیده است و به مشارکت فعال و مؤثر ذینفعان (اهالی محله) در این طرح‌ها و مداخلات توجه وافی و کافی نشده است و توسعه برون‌زا بیشتر مدنظر قرار گرفته است. مبتنی بر نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد اجتماع‌محوری و جلب مشارکت مؤثر و فعال ذینفعان به‌ویژه جوانان علاقه‌مند و مستعد در کنار معتمدان و معمرین محله در طراحی طرح‌های توسعه و تحول محلات مدنظر قرار گیرد و این مشارکت در تمامی مراحل تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت انجام پذیرد. همچنین توانمندسازی افراد دچار فقر، محرومیت و آسیب اجتماعی و کمک به خروج آنان از چرخه نسلی شدن فقر و آسیب اجتماعی با توان‌بخشی، توانمندسازی، کارآفرینی، کارگستری و خوداتکایی، مشاوره و مددکاری نیز تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و نهادینه‌سازی تحول و توسعه محله داشته است و باعث کاهش مقاومت اهالی و افزایش همراهی و همگامی آنان با مداخلات اصلاحی و توسعه‌ای شده و به‌ویژه منجر به تصمیم‌سازی و نهادینه‌سازی تحولات مثبت در محله می‌گردد.

کمک به باز اجتماعی شدن مبتلایان به فقر، محرومیت و آسیب اجتماعی نیز رویکرد مهم و تأثیرگذار دیگری است که می‌تواند اهالی محله را از افتادن در دام و تله نسلی شدن فقر و آسیب اجتماعی نجات دهد. بدین ترتیب که به افراد محروم و آسیب‌دیده کمک می‌کند که به محیط خانواده، کار و جامعه برگردند. به‌طور مثال رفع اثرات سوءپیشینه افرادی که قابل توانمندسازی بوده و برای بهبود شرایط خود اعلام آمادگی و تلاش می‌کنند می‌تواند از نسلی شدن چرخه فقر و آسیب اجتماعی جلوگیری کند و از ماندگاری افراد در میان مشرتریان بخش امداد اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی جلوگیری نموده و آنان را به خودبسندگی و کمال اجتماعی رهنمون می‌سازد.

نگاه تمام ساحتی و هم‌افزا به توسعه و تحول محلات

بر اساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر یکی از معضلات و مشکلات مبتلابه به محله هرنندی (دروازه غاز) اعمال رویکرد تک ساحتی به محله و انجام مداخلات و اقدامات بر اساس رویکردهای بخشی و دستگاہی (در حوزه‌های حاکمیتی، دولتی و عمومی) و رویکردهای شخصی و سلیقه‌ای (در حوزه تشکل‌ها و خیرین و نیکوکاران) بوده است.

بدین ترتیب که فارغ از نیازهای اصلی، اساسی و اولویت‌دار محله و اهالی آن و بدون جلب مشارکت اهالی در مسئله یابی و اولویت‌بخشی به اقدامات و مداخلات، هر یک از دستگاہ‌های اجرایی و یا اشخاص حقیقی و حقوقی نیکوکار به‌زعم خود و از نگاه خود و بر اساس رویکردهای دستگاہی، بخشی، سلیقه‌ای و عموماً و غالباً با تمرکز و محوریت بر مسائل عمرانی و کالبدی نسبت به اجرای برخی طرح‌ها در محله اقدام نموده‌اند که صرف‌نظر از اثرات سوء تکرار و تداخل در امور، موازی کاری، فعالیت‌های تکراری و مضاعف، همپوشانی پوشش‌ها در برخی از امور و خلأ پوشش‌ها در برخی امور، برخی از این اقدامات و مداخلات باعث تشدید مشکلات و معضلات اهالی به‌ویژه افشار و گروه‌های ضعیف آن گردیده است و یا اینکه باعث تشدید آسیب‌های اجتماعی شده است به‌طور مثال ساخت سرویس بهداشتی و بوستان بدون توجه به توانمندسازی اهالی و بدون جلب مشارکت آن‌ها در فرایند احداث، باعث می‌گردد که مراکز مزبور به محلی برای ارتکاب به جرم و بزه اجتماعی تبدیل شوند و یا ساماندهی معابر و بازسازی و نوسازی منازل مسکونی، منجر به گرانی اجاره و اقامت برای افشار ضعیف محله می‌گردد.

به همین منظور پیشنهاد می‌گردد برای اعتلای محله هرنندی، یک طرح توسعه و تحول تمام ساحتی و جامع‌الاطراف که دربرگیرنده همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، عمرانی، زیست‌محیطی و... باشد طراحی و به مورد اجرا گذاشته شود و برای ایجاد هماهنگی و هم‌راستایی در میان دستگاه‌های اجرایی (حوزه‌های حاکمیت، دولت و بخش عمومی) و اشخاص حقیقی و حقوقی خیر و نیکوکار نیز یک سازوکاری مبتنی بر هم‌افزایی یا جلب مشارکت کلیه اجزاء و عناصر ذی‌مدخل در محله بکار گرفته شود و از رویکردهای پراکنده، ناهماهنگ و نامنظم پرهیز شود.



منابع و ماخذ

- ابراهیم‌زاده، عیسی، اسکندری ثانی، محمد، رمضان‌پور، صغری. (۱۳۹۵). راهبرد تعدیل فقر در محلات شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی مطالعه‌ی موردی: کلان‌شهر تهران. جغرافیا و توسعه. (۴۴). ۱-۲۴
- احمدی، علی‌محمد؛ حضارمقدم، نسرین؛ (۱۳۹۲)، بررسی اثر آزادسازی تجاری روی شاخص توسعه انسانی در کشورهای درحال توسعه، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی‌شدن)، دوره ۴، شماره ۱۱
- اشرفی، سکینه؛ بهبودی، داود؛ واعظ مهدوی، محمدرضا؛ پناهی، حسین، (۱۳۹۷)، سه وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، شماره ۷۱
- ارجمند سیاه‌پوش، اسحق، (۱۳۹۴)، ارزیابی متغیرهای وضعیت توسعه پایدار شهری در شهر اندیمشک و ارائه مدل مناسب، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره اول
- افشارکهن، ج.، و رحیقی یزدی، م.، ۱۳۹۲، تاثیر عوامل محیطی اجتماعی بر احساس امنیت شهری (مورد مطالعه: محلات منتخب شهر یزد)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)
- امیری، م.، و پورموسوی، س.، و صادقی، م. (۱۳۹۲). مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری. اقتصاد و مدیریت شهری، ۲(۵)
- ایراندوست، کیومرث.، اعظمی، محمد.، تولایی، روح‌الله. (۱۳۹۳). شاخص‌های تعریف و تعیین سکونت‌گاه‌های غیررسمی در ایران. مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای. ۶(۲۱). ۴۳-۶۰ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- باوش، معصومه؛ شیانی، ملیحه؛ موسایی، میثم، (۱۳۹۶)، تحلیل عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر فقر و نابرابری حوزه سلامت طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶۷
- پروین، س.، و درویشی فرد، ع.، و کاظمی، ق. (۱۳۹۵). بی‌سازمانی اجتماعی و آسیب‌های پنهان شهری (مطالعه موردی: محله هرنندی). مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۲۳(۱)
- ثقفیان، سپیده، ۱۳۹۸، در تقاطع سنت، فقر و جنسیت، خرد سرخ
- جانی، سیاوش، (۱۳۹۷)، تحلیل ساختار تولید و توزیع درآمد در سکونتگاه‌های روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی ایران، سال هفتم، شماره سوم (پیاپی ۲۵)

- جانی، سیاوش، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه تخصیص منابع بین بخش‌های اقتصادی و توزیع درآمد شهری و روستایی در بین استان‌های ایران، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۳۲، شماره ۴
- حمیدیان، اکرم، زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر، انصاری، ابراهیم، ۱۳۹۴، بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلانشهر اصفهان، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر (علمی - پژوهشی)
- خداداد کاشی، فرهاد؛ شمسی، سوده، (۱۳۹۱)، بررسی اثرات سیاست‌های حمایتی بر کاهش فقر در ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۹، شماره ۲
- خنیفر، حسین، مسلمی، ناهید. (۱۳۹۵). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی. جلد اول. تهران: نگاه دانش، ۵۶۰ صفحه
- دانایی‌فرد، حسن و اسلامی، آذر. (۱۳۹۰). کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده‌بنیاد در عمل: ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۷۸ صفحه.
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۸۶). پارادایم‌های رقیب در علم سازمان و مدیریت: رویکرد تطبیقی به هستی‌شناسی، شناخت و روش‌شناسی. دانشور رفتار، سال چهاردهم، شماره ۲۶: ۸۹-۱۰۴
- دلاور، ع. (۱۳۸۹). روش‌شناسی کیفی. راهبرد، ۱۹(۵۴) (ویژه پژوهش‌های کیفی))
- رسولی، سید حسن و مومن پور آکردی، سکینه و عظیمی زاده، الهام و قاسمی طاهری، سید مریم، ۱۳۹۵، ضرورت بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: شهر ساری)، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی
- رهنمایی، م.، و ملک نیا، م.، و جهانیان، م. (۱۳۹۰). نقش محورهای فرهنگی و تاریخی منطقه ۱۲ در توسعه گردشگری شهر تهران. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، ۳(۴)
- زنگنه، ع.، روستایی، ش.، سعیدی، ش.، احدنژاد، م.، کرباسی، ع.، و تیموری، ر.، ۱۳۹۳، بررسی تطبیقی نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی در محلات شهری (نمونه موردی: محلات شاطرآباد و ۲۲ بهمن). مطالعات ناتوانی.
- زنگی آبادی، ع.، و پرهیز، ف.، و خیام باشی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل زمانی- مکانی آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مواد مخدر (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، ۴(۱) (پیاپی ۹)

- زیاری، کرامت الله، ۱۳۹۰، بررسی آسایش و امنیت در محله های شهر یزد، پژوهشهای جغرافیای انسانی تابستان ۱۳۹۰ شماره ۷۶
- ستوده، هدایت اله، ۱۳۷۹، آسیب شناسی اجتماعی؛ جامعه شناسی انحرافات، آوای نور
- شاطریان، محسن، آقابزرگی زاده، شیوا، ۱۳۹۵، تاثیر بافت های فرسوده بر آسیب های اجتماعی شهر کاشان، همایش ملی بافت های فرسوده و تاریخی شهری، دانشگاه کاشان
- شیخی، محمد و عظیمی، میترا، ۱۳۹۲، بررسی شاخص های اقتصادی اجتماعی و روش های تعیین محدوده منطقه شهری تهران و ارایه الگوی مناسب برای آن
- صادقی، ر. و زنجری، ن. (۱۳۹۶). الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲ گانه کلانشهر تهران. رفاه اجتماعی، ۱۷ (۶۶)
- علایی، محسن و رضایی پور، اذن اله، ۱۳۹۴، مروری بر نظریات جامعه شناختی در جامعه شناسی جرم و جنایت، اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی و جامعه شناسی، آباده
- قدرتی راد، مینا، ۱۳۹۷، نقش نهادهای حکومتی در شکل گیری آسیب های اجتماعی، کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان، موسسه آموزش عالی علامه خویی
- قرخلو، م. و زنگنه شهرکی، س. (۱۳۸۸). شناخت الگوی رشد کالبدی - فضایی شهر با استفاده از مدل های کمی (مطالعه موردی: شهر تهران). جغرافیا و برنامه ریزی محیطی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، ۲۰ (۲) (پیاپی ۳۴)
- معمار، ث.، ۱۳۹۰، تحلیل جامعه شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله ای (مطالعه محلات شهر اصفهان)، مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)
- مکی پور، ذ. و ربانی خوراسگانی، ع.، ۱۳۹۲، بررسی علل اقتصادی آسیب های اجتماعی (با تاکید بر رابطه تورم و جرایم در ایران طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۷۰). پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، ۲۰ (۲) (پیاپی ۶)
- نجفی ایرند آبادی، علی حسین، گلدوزیان، حسین. (۱۳۹۶). جرم شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت شناسی جنایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۶ (۲۳)

- نریمانی، شهلا، ۱۳۹۰، بررسی آسیب های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی فراروی خانواده، همایش هجوم خاموش، معاونت فرهنگی جهاددانشگاهی، جهاددانشگاهی واحد استان لرستان
- نصراصفهانی، آرش، ۱۳۹۹، شاخص امنیت اجتماعی در مناطق ۱، ۲۲ و ۵ تهران، همشهری آنلاین
- نوری، ع. و مهرمحمدی، م. (۱۳۹۰). الگویی برای بهره گیری از روش نظریه برخاسته از داده ها در پژوهش های تربیتی. مطالعات برنامه درسی، ۶(۲۳)
 - Aseltine, R. H., Gore, S., & Gordon, J. (۲۰۰۰). Life Stress, Anger and Anxiety, and Delinquency: An Empirical Test of General Strain Theory. *Journal of Health and Social Behavior*, ۴۱(۳)
 - Ahern, J., Margerison-Zilko, C., (۲۰۱۳), Alcohol Outlets and Binge Drinking in Urban Neighborhoods ‘The Implications of Nonlinearity for Intervention and Policy, *Semantic Scholar*
 - Alves, Sonia, (۲۰۱۷), Assessing the impact of area-based initiatives in deprived neighborhoods- The example of S. João de Deus in Porto, Portugal, Institute of Social Sciences of the University of Lisbon, ResearchGate professional network
 - A Stoddard, Sarah, J Henly, Susan, E Sieving, Renee, Bolland, John, (۲۰۱۰), Social Connections, Trajectories of Hopelessness, and Serious Violence in Impoverished Urban Youth, National Center for Biotechnology Information
 - Triplett, Ruth, (۲۰۰۳), Institutional Strength, Social Control and Neighborhood Crime Rates, *Theoretical Criminology*
 - Brown, Scott, Lombard, Joanna, (۲۰۱۴), Neighborhoods and social interaction, *Wellbeing and the Environment*, Volume ۲
 - Ompad, Danielle, (۲۰۰۷), Social Determinants of the Health of Urban Populations ‘Methodologic Considerations, National Center for Biotechnology Information, U.S. National Library of Medicine
 - Corbin, J., & Strauss, A. (۲۰۰۸). Basics of qualitative research (۳rd ed.): Techniques and procedures for developing grounded theory. SAGE Publications, Inc
 - COULTON CJ, PANDEY S. Geographic Concentration of Poverty and Risk to Children in Urban Neighborhoods. *American Behavioral Scientist*. ۱۹۹۲;۳۵(۳):۲۳۸-۲۵۷
 - Warner, Barbara, Beck, Elizabeth, L. Ohmer, Mary, (۲۰۱۰), Linking informal social control and restorative justice ‘Moving social disorganization theory. beyond community policing, Taylor & Francis Group
 - E. Mayer, Susan, Jencks, Christopher, (۱۹۸۹), ۳۰. Growing Up in Poor Neighborhoods ‘How Much Does It, *American Association for the Advancement of Science, New Series, Vol. ۲۴۳, No. ۴۸۹۷*

- Fieldhouse, E., & Cutts, D. (۲۰۱۰). Does Diversity Damage Social Capital? A Comparative Study of Neighbourhood Diversity and Social Capital in the US and Britain. *Canadian Journal of Political Science*, ۴۳,
- Flick, Uwe. ۲۰۱۴. *The SAGE handbook of qualitative data analysis* . SAGE Publications Ltd
- Greenbaum, Susan, Hathaway, Wendy, Rodriguez, Cheryl, Ashley Spalding & Beverly Ward (۲۰۰۸) Deconcentration and Social Capital: Contradictions of a Poverty Alleviation Policy, *Journal of Poverty*, ۱۲:۲
- HALSEY M, WHITE R. Crime, Ecophilosophy and Environmental Harm. *Theoretical Criminology*. ۱۹۹۸;۲(۳)
- Lasslett, K. (۲۰۱۰). Crime or social harm? A dialectical perspective. *Crime, Law and Social Change*, ۵۴
- Hoogerbrugge, Marloes M., Burger, Martijn J., (۲۰۱۸) Neighborhood-Based social capital and life satisfaction: the case of Rotterdam, The Netherlands, *Urban Geography*, ۳۹:۱۰
- McCann E, Temenos C. Mobilizing Drug Consumption Rooms: inter-place networks and harm reduction drug policy. *Health Place*. ۲۰۱۵
- Singh GK, Ghandour RM. Impact of neighborhood social conditions and household socioeconomic status on behavioral problems among US children. *Matern Child Health J*. ۲۰۱۲ Apr; ۱۶ Suppl ۱: S